

کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب شرح شافیه — عربی

مصحف شرح فخر الدین احمد بن حسن جابر بردی

خطی نستعلیق ۱۹ سطری

سال طبع و تصحیح ۱۳۵۹ عدد اوراق ۱۶۶

جزء کتب نسخ شماره ۵۶

شماره عمومی ۳۳ شماره قبض

واقف ملا موسی تاریخ وقف

طول ۲۵ عرض ۱۸ نیمه قفسه ۸

سال ۱۳۱۸ خورشیدی
باز آهسته آهسته

باز آهسته آهسته
۱۳۵۳



داشته امور

فیلد

آستان قدس رضوی

و قد

و قد

و قد

و قد

و قد

اللهم ارحنا من ظلمات الوهم و اكرمنا بنورك
 اللهم افتح ابواب فضلك و بصر
 خدائنا عليك اللهم انت

فان تبت في النور بين الوجود والعدم
 فانا لا نبت في النور بين الوجود والعدم
 احد والوجود بنور الصفة

و قد



و قد

و قد

و قد

و قد

و قد

و قد

ما يخرج من سوى الحدود فخرج بقوله
 والصرف وبقوله ليست بأعزاز
 الموبات فانه يقال هذا كتاب

بسم الله الرحمن الرحيم


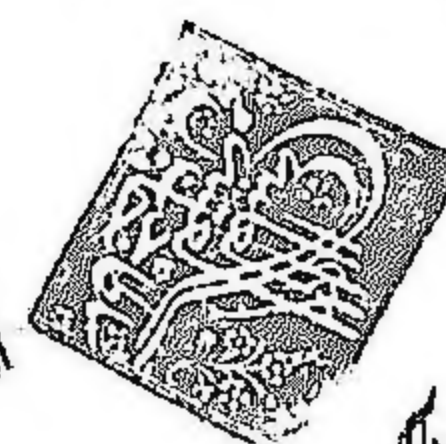
الصريف لما كان علمنا مثلاً المقصود وغير المقصود وأزدد
 بما يخرج سوى المحدود فخرج بقوله تعرف بها احوال ابنته الحكم سوى النحو
 والصرف وبقوله ليست باعراب علم النحو باسمه اي بحث المبتنيات و
 الموبائت فانه يقال هذا كتاب اعراب القرآن مثلاً وان كان مستمداً على ذكر
 البناء والاعراب وبشهادة قول المصنف رحمه الله في اول الكتاب ان الحق يقدر
 في الاعراب فانزع اعراض بعض الناس حين بانه غير مانع لدخول المبتنيات فانه
 وانما قال احوال ابنته الحكم ولم يقل ابنته العلم ليكون المدح جامعاً اذ يخرج عنه بعض
 احكام الادغام كذا انا اضر تكثر اوانا قيدنا ببعض لان بعضها داخل في البنية
 وهو الادغام في كلمة واحدة كترشد يندوا واذا كان في كلمتين في يكون داخلاً
 في البنية الاحوال لانه حال يطرد على الكلمة من كلمة اخرى يخرج ايضا بعض
 احكام النقاء ككلمتين كواضرب الرجل وانا بنيتنا ببعض لان البعض
 الاخر داخل في البنية وهو الذي يكون في كلمة واحدة او هو جامع الى ابنته الحكم
 لاهوال كذا انطلق بكون اللام وفيه التقاف في انطلق امر يخرج ايضا
 احكام الوقف لانه ليست راجعة الى ابنته الحكم لان الوقف على جوف وريد
 لشيء بهما ما يكون او بالروم او بالاشمام وليس راجعاً الى بناء الكلمة
 لذا ذكر في السرخ المنسوب الى المصنف واورد وعلم بعض الناس حين بانه

۱
 ۲
 ۳
 ۴
 ۵
 ۶
 ۷
 ۸
 ۹
 ۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

5

[illegible]

۱۲۱



يُنبغي ان يقال بعضا احكام الوقف ايضا لان بعضها راجع الى ابنيته الحكم ايضا وهو
الوقف بنضعيف الآخر نحو حقيقته ونظرا لانا قد ذكرنا ان بعض احكام الادغام
راجع الى الابنية وهو ما يكون في حكمه واحدة وبعضها الى احوال الابنية وهو
ما يكون في كليتيه وهكذا ذكرنا في التقادرات كينيتي فباتي شئ يفرق بين
احوال جعفر اذا وقف عليه بالسكون او بالاروم او بالاشم او بالنضعيف فحق
بعضها راجعا الى الابنية والبعض الآخر الى احوال الابنية بحكمه اذا وقف با
الاشم مثلا في حالة كالتضعيف في حالة اخرى ولا اثر لكون التعريف في بعض
الاصور بالحرف الا ترى ان قولك ان رعين الاعراب داخل في احوال ابنيته
الحكم لان الابنية تكون ايضا على حال باعتبارها فانه يدل على ما قلنا
اذا الاعراب اعم من ان يكون بالركات او بالحروف وفي بعض ما ذكرنا وان كان
نظرا سندره لكن ذكرناه كما ذكرنا انما انشأهم واورده على هذا الحيد ان
زيادة قوله احوال وان افاد ما ذكرتم لكن اصله في مذهبهم آخرا لانه وقع
بمعرفه ابنيته الحكم لانه لا يلزم من اسناد المعرفة الى المضاف اسناد
الى المضاف اليه فيلزم ان لا يكون ابنيته الحكم في التصريف وهي منه وجوب
ان يقال اني اريد بابنية الحكم موافقا وها هو حافظا لاسس كوجها اذ
منه مباحث اللغة وليست من مباحث التصريف وان اريد ما يطرأ عليه
على الكلمات من التنياب والاحوال فمن نفس احوال ابنيته الحكم والاضافة
فيه كما في قولهم شجر اراك بمعنى قوله احوال ابنيته الحكم على هذا التصديق التفسير
احوال من ابنيته الحكم هكذا ذكرناه لكن التحقيق في هذا الموضوع ان يقال

از نظام زینب قلا ندرم شریسته الحی الی نظام
 الی زینب
 بدین معنی آن نگون رسولون قید آن کار کا صفوا

بار بنوعی از نیکوکاران معلوم شد که در کارها مصروف

و کس را در آن اصلا اختیار نباشد و با کس حد نه بردم و بقسمت خدای تعالی
 را ضعیف کنم و با خلق ملازمت نکردم مسئله ششم آنست که درین خلق نگاه نکردم
 و دیدم که هر کس را با یکدیگر غرض هست و با یکدیگر دشمن دارند و من درین آیه کریمه
 یا فکور که دم که این الشیطان لکم عدو و مبین و دشمن که خدا و تعالی حقست
 و غیر از شیطان متابعان او و دیگران دشمن من یا بد کرد و من را بر سر نیز من
 و شیطان را دشمن داشتم و بندگی خدای کردم که صراط مستقیم بندگی خداست
 و خدا را تعالی میفرمود که اَلَمْ اَعْطِکُمُ الْاَلْبَیْمَ یا بنی آدم اِنَّ کُلَّکُمْ لَعِنَةُ الشَّیْطَانِ
 اِنَّ کُلَّکُمْ عَدُوٌّ حَیْنٍ وَاَنْ اَتَّعِذَکُمْ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِیْمٌ کُنْتُ نَاحِیَةً لَّکُمْ
 و عارف قسیری مرده مان نوی مسئله هفتم آنست که گفت که در خلقان نگاه
 کردم دیدم که در طلب معاش خود سبها و کوششی بسیار می کردند و ازین سبب
 در حرام و شبهات تمام می افتند و خود را نزد خدا و رسول و ائمه معصومین
 داند میکنند پس درین آیه کریمه یا فکور که و کاحین ذالین فی الارض الا
 علی الله رزقنا پس داشتم که قرآن مجید صدی و حقست بخدا تعالی
 مشغول شدم و داشتم گفت بگو که روزی رسان روزی برساند زیرا که همان روزی
 بنده گان او کرده است مسئله هشتم آنست که هر کس
 اعتقاد و بر کسی نکرده اند و یکی اعتقاد بپال کرده و یکی اعتقاد بیک کرده و یکی بجاه
 دنیا و یکی بیک اعتقاد کرده و یکی بمخلوق بنه آورد پس درین آیه کریمه یا فکور که
 که و من یتوکل علی الله فهو حسبه و رضا تعالی توکل کردم و یاری از خدا و خدا
 خواستم شکیف گفت ان کاتم و فیکر الله تعالی بالحق و السعاده که من نکرده و بگوید
 و زبور و قرآن را جمع کردم و این هر کتاب را با این صفت مستند بود و بر کرم
 هر که بدید صفت مستند تو کار کند در دنیا و آخرت استکار بود و
 هر کس به جمع محنت کند که نتواند برسد و او الله اعلم

سال ۱۲۱۳ خورشیدی

بهر نفس شد

کتابخانه آستان قدس

هزاره خطی

۱۳۵۸ خ